



بائسگاه کوئهور دو ولسکی دماوند
تاسیس ۱۳۳۲

به نام خدا

پیمایش نعل بزرگ علم کوه

تاریخ اجرا: 18 الی ۲۱ مرداد ۹۹

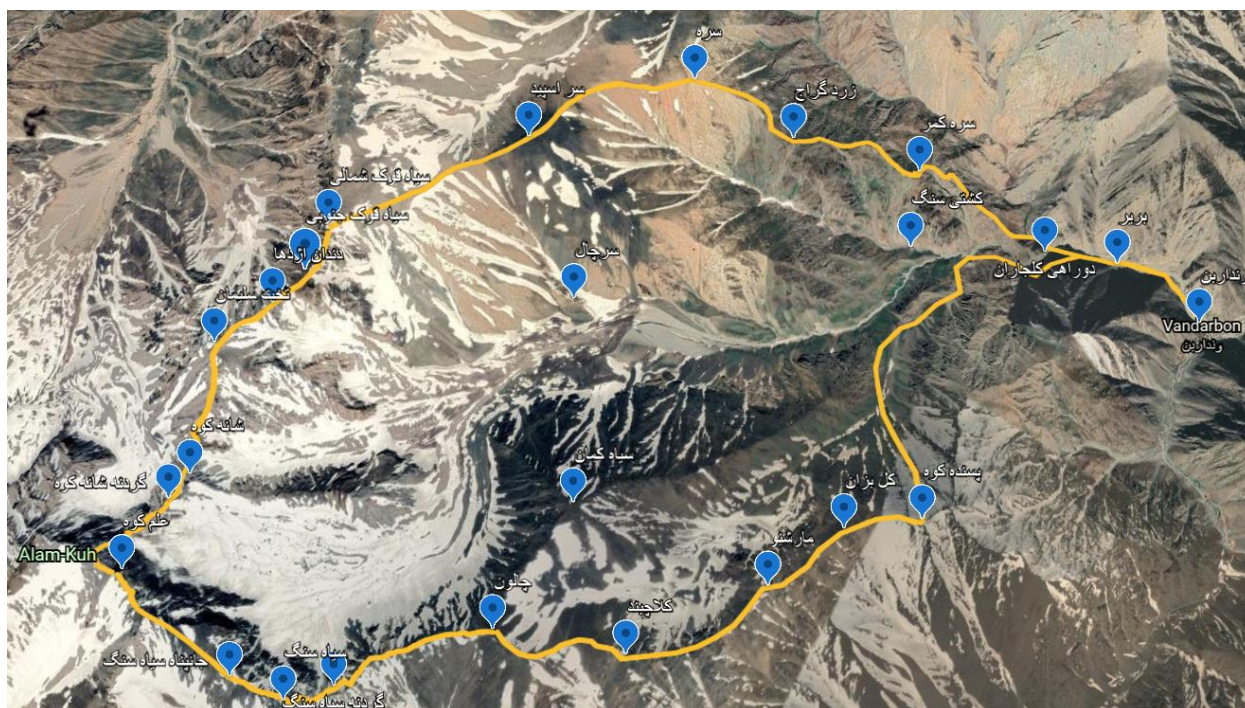
نفرات: سروش نور – حمیدرضا فرخی

آب و هوا: نیمه ابری همراه بارش و آفتابی

قلل صعود شده:

سر ه کمر - زردگراج - سر ه - سر اسپید - سیاه قوک شمالی
سیاه قوک جنوبی - دندان اژدها - تخت سلیمان - شانه کوه - گرده آلمانها
و علم کوه - سیاه سنگ - چالون - کلاچبند - کل گردنک
کل بزان - مارشنو - پسنده کوه

مسیر پیمایش:



شرح گزارش:

ایده پیمایش این مسیر تقریباً بعد از صعود یک روزه گرده آلمانها از ونداربن به ونداربن در سال ۹۷ دو سالی بود که فکرمون رو به خودش مشغول کرده بود اما بخاطر مشغله کاری و سربازی جفتمون اجرایی نشده بود، تا این که امسال دو روز بعد از گرفتن گواهی پایان خدمت خودم، بدون معطلی راهی این برنامه شدیم. به قول مادرم بزار دو روز جوهر مهر این برگه ات خشک بشه بعد.... ولی راجع به خودم و سروش میدونم که کلا منطقه تخت سلیمان یک نیروی جاذبه و کشش خاصی داره برامون....

از تمرینات این پیمایش علاوه بر این که اغلب در تعطیلات، برنامه بودیم میتونم به روال منظم دو هفتگی و چند برنامه به نسبت استقامتی مثل خط الراس دارآباد-چین کلاغ و... اشاره کنم البته کار فنی هم مکمل بود منجمله صعود کلاhek شروین و

در نهایت جمعه صبح ۱۷ مرداد استارت برنامه زده شد و راهی رودبارک شدیم با رد کردن تونل کندوان مه و بارون داشتیم که استرس خیس شدن توی روز اول برنامه رو بهمون میداد که در نهایت به واقعیت تبدیل شد. حوالی ساعت ۴ داخل قرارگاه ونداربن مستقر شدیم و ماکارانی لذیذی که سروش زحمتش را کشیده بود را نوش جان کردیم و مشغول مرتب کردن وسایل و ابزار فنی شدیم، سعی بر این بود که خوراکی و لوازم با وسواس انتخاب شوند که با این حال کوله هامون حدود ۱۵ تا ۱۸ کیلو شده بود، حدود ساعت ۸ شب بود، ما هنوز در انتظار باز شدن هوا و قطع شدن باران بودیم که کوتاه نمی آمد و قصد داشت یک حال اساسی تو روز اول برنامه بهمون بده، حدود ساعت ۹ شب بود که به خواب رفتیم...

ساعت ۳ صبح بلند شدیم با بیرون اومدن از در قرارگاه با صحنه ایی مواجه شدیم که نگاه هامون به هم خیره موند، مهی غلیظ همراه با بارش درست خلاف پیش بینی هواشناسی همه جا را فرا گرفته بود. بعد از گذاشتن وسایل اضافی داخل ماشین به سمت دوراهی کلجاران راه افتادیم نیم ساعتی نگذشته بود که به دوراهی رسیدیم و سوار یال شدیم

بخاطر مه غلیظ فقط چند متری از جلومان را اون هم به سختی میتونستیم بینیم. هر دومان یک حس خوف و رجایی را احساس میکردیم.

ادامه دادیم تا سره کمر اولین قله ی این قسمت صخره ای و تیغه ای مسیر ، هوا رو به روشنایی میرفت اما مه غلیظ ما را کماکان همراهی میکرد. از یک طرف خیس بودن سنگ ها و گل و شل مسیر و از طرف دیگر نداشتن دید برای مسیریابی کار را مشکل کرده بود.

چندین بار به پرتگاه خوردیم و مجبور بودیم برج ها را صعود کنیم، نه این هوا امروز میل همراهی نداشت. حدودا حوالی ساعت ۱۲ بود که کمی بعد از زرد گراج و نرسیده به سره مسیر نرمال تر و دست به سنگ کمتر شد و سرعت بیشتری گرفتیم تا این که زیر قله اسپید حوالی ارتفاع ۴۰۰۰ متر مه رو زیر پا گذاشتیم و این خودش از لحاظ فیزیکی و روانی دلگرمی بود، تا اینجا حدودا ۳ بار کفش و جوراب ها را درآورده و چلانده بودیم تا کمی سبک تر شود و تاول های روز های بعد رو کمتر کنیم.

بعد از اسپید مسیر رو با سرعت بیشتری به سمت سیاه قوک شمالی ادامه دادیم و نمایی از رستم نیش و کالاهو را داشتیم. بعد از سیاه قوک شمالی درگیر تیغه های بین سیاه قوک شمالی و جنوبی شدیم که به نسبت صبح کار ساده تری بود، حداقل مسیر عاری از مه بود و تشخیص راحت تر. تقریبا زیر سیاه قوک جنوبی بودیم که با دیدن برفچالی مشغول به آب کردن برف و پر کردن بطری ها شدیم که حدودا ۱ ساعت زمان برد حوالی ساعت ۶ عصر سیاه قوک جنوبی صعود شد و به زیر دندان بزرگ رسیدیم ، خیس و خشک شدن امروز و سنگنوردی با کوله های سنگین بر روی تیغه های مرطوب انرژی زیادی از ماگرفته بود و تصمیم به اولین بیواک زیر دندان بزرگ گرفتیم، آماده کردن جا و سنگ چین کردن زیرسیاه قوک جنوبی یک ساعتی

زمان برد و ما حدود ساعت ۱۰ شب به خواب رفتیم، شب نسبتاً سردی بود و هنوز جوراب ها و کفش ها خیس بودند و

روز دوم:

حدود ساعت ۶:۳۰ با زدن سپیده از کیسه ها بیرون اومدیم و بعد از جمع و جور کردن وسایل و نوشیدن چای حوالی ساعت ۸ هارنس پوشیده راهی دندان بزرگ شدیم ، تا تک رول زیر قسمت اصلی دست به سنگ ادامه دادیم و به تک رول که رسیدیم درحمایت کارگاه رفته و هم طناب شدیم، این قسمت رو من رکاب زدم و قسمت انتهایی رو طبیعی صعود کردم به بالای دندون رسیدم. قسمت رکاب خور مسیر با میخ های قدیمی به جا مانده صعود شد و نیازی به استفاده از ابزار میانی نبود. با ثابت کردن طناب سروش هم بالا آمد. مسیر سختی چندانی نداشت اما کوله ها کار را سخت میکرد. بعد از گرفتن عکسی رو قله اصلی دندان اژدها فرود ریختیم، طنابی که برده بودیم ۶۰ متری بود و با کارگاه اول که میخ و رول بود تقریباً تا جای نیمه راحتی بدون استفاده از کارگاه قدیمی رسیدیم و بعد از ۷،۸ متر تراورس به یک تک رول برخوردیم، از قبل چندین بار از دوستان که مسیر را رفته بودند راجع به کارگاه ها و قسمت های مسیر پرسیده بودیم و چیزی که در ذهن داشتیم دو فرود بعد از دندون بزرگ و سپس یک تراورس بود و البته ادامه مسیر تا حدودی گنگ بنظر می آمد ، طبق ذهنیت قبلیمون از تک رول بلوک گرفتیم و دومین فرود را انجام دادیم اما وقتی پایین رسیدیم نه اثری از قسمت قابل تراورس بود نه رول یا میخ یا نشونه ای دیگری،

از یک سنگ بلوک گرفتیم و کارگاه زدیم سروش از دهلیز کناری صعود کرد ، پشت سرش رفتیم و بهش رسیدم و دست به سنگ دقیقا تا زیر تیغه ها رفتیم اما خبری از مسیر نبود!

فرود رفتیم بلکه قسمت تراورس تو پایین دست باشه، با حدود ۱۰۰ متر فرود دست به سنگ گرده مجاورکه اجازه تراورس رو نمیداد بالاخره راه داد و ردش کردیم و باز صعود کردیم تا زیر تیغه های بالا ولی نه....

خبری از مسیر درست نبود چند بار، چندین مسیر روتا ۵ متری زیر شمال تیغه ها امتحان کردیم ولی راه نمیداد و برمیگشتیم ، چند برابر انرژی معمولی که میبایست برای این قسمت از مسیر می گذاشتیم را صرف امتحان کردن مسیر های مختلف کردیم، این چالش انرژی زیادی ازمون گرفت و تا حدودی برنامه های امروز رو عقب انداخت، در نهایت تصمیم به فرود گرفتیم و حدودا تا ارتفاع ۴۲۵۰ فرود اومدیم تا گرده های مجاور امکان حرکت به سمت تخت سلیمان رو بدهند.

مسیری خواندیم و شروع به صعود کردیم قسمت های شمالی منطقه تخت سلیمان تماما ریزشی همراه با سنگ های معلق بر روی هم انباشته شده زیادی است، با سرعت خوبی روی خط الراس قرار گرفتیم و به سمت تخت سلیمان ادامه دادیم حوالی ساعت ۳ بر روی چکاد تخت سلیمان بودیم که یکی از بینظیرترین مناظر رو به همراه داشت، سمت راست یخچال اسپیلت و غربی و هفت خوان ها، روبرو گرده آلمانها و دیواره غربی و شمالی، سمت چپ علم چال و سیاه سنگ و سیاه کمان ،چشم انداز زیبایی را در برابر ما ایجاد کرده بودند.

نفسی تازه کردیم و به سرعت به سمت شانه کوه فرود رفتیم زیر شانه کوه کنار برفچالی توقف کردیم، حدود ۱ ساعت برف آب کردن زمان برد و حدود ساعت ۵:۳۰ روی گردنه شانه کوه بودیم. به دلیل وجود جای بیواک نسبتا مناسب و نداشتن خطر ریزش سنگ (در صورت بیواک روی گرده ریسک ریزش وجود دارد) با وجود داشتن زمان، تصمیم به بیواک روی شانه کوه گرفتیم هوا کم کم رو به تاریکی میرفت من میل چندانی به غذا نداشتم ولی نمیشد از نودل دست پخت سروش گذشت و تا حدی همراهیش کردم تا زیاد خوش نگذره بهش... حوالی ۹ شب بود که به خواب رفتیم. از ساعت ۱۲ تا ۴ باد از قسمت یخچال غربی با وجود سنگ چین کردن، ما را مورد نوازش قرارداد و لذت بردیم، هوا هم تا حدودی متغیر بود اما بارش نداشتیم و این از الطاف الهی حساب میشد.

روز سوم:

صبح با زدن سپیده روی دیواره، جلوه چشم نواز و دلگرمی خوبی بهمون میداد. حدود ساعت ۶ بیدار شدیم و با درست کردن و نوشیدن دو لیوان چای و ساقه، جان دوباره ای گرفتیم و حوالی ساعت ۷:۳۰ با کوله های سنگین که هرچقدر جلو میرفتیم کار را سخت تر میکرد راه افتادیم و با سرعت خوبی دو رکابی و سه رکابی رو رد کردیم ، سروش سر طناب میرفت و من نفر دوم صعود میکردم بعد از سه رکابی طناب رو جمع کردیم و تنقلاتی خوردیم و ادامه دادیم تا به طول زیر تک رکابی رسیدیم ، به نسبت

سال های قبل حجم یخ روی مسیر بیشتر بود و صعود با کوله سنگین و کفش های کوه کار را دشوار کرده بود. در نهایت حدود ساعت ۱۲:۳۰ از گرده خارج شدیم و یه کنسرو لوبیا وقارچ خوردیم که خیلی چسبید و انرژی گرفتیم حدود ساعت ۲ روی قله عکسی انداختیم و سریع به سمت سیاه سنگ سرازیر شدیم...

در یکی از دهلیزهای قبل از سیاه سنگ از آب برفچالی که جاری بود بطری ها را پر کرده و ادامه دادیم. حوالی ساعت ۳:۳۰ به جانپناه سیاه سنگ رسیدیم و پس از گذر از قله سیاه سنگ و سیم بکسل ها روی گردنه سیاه سنگ نفسی تازه کرده و به دنبال جا برای بیواک گشتیم تا در میانه های مسیر بین گردنه و قله چالون روی قسمت جنوبی مکانی پیدا کردیم و طبق روال هر شب یک ساعتی صرف درست کردن جا و سنگ چین کردن شد، غذایی خوردیم و خوابیدیم. نور چراغ ماشین های راه تنگه گلو در پایین دست برق میزد، شب به نسبت آرامی بود....

روز چهارم:

طبق روال قبل حوالی ساعت ۶ بیدار شدیم و با ته مانده گازمان چای درست کردیم و با ساقه صرف کردیم و سر حال به سمت چالون حرکت کردیم با سرعتی عالی روی قله چالون قرار گرفتیم و عکسی به یادگار انداختیم، چشم اندازی که در آن، قسمت اعظمی از نعلی که پیمایش شده بود دیده می شد. به ترتیب قلل ریزشی کلاچبند، کل بزان و مارشنو رو پشت سر گذاشتیم و حوالی ساعت ۱۰:۳۰ زیر قله پسند کوه کمی استراحت کردیم و لباس کم کردیم و ساعت ۱۱:۱۵ آخرین قله برنامه، پسند کوه را صعود کردیم. به دلیل باز شدن هوا منظره کل مسیر طی شده خیره کننده و زیبا بود،

وقت را تلف نکرده و به سمت انتهای دره جنوبی فرود رفتیم و کنار چشمه آبی به استراحت پرداختیم. در نهایت حوالی ساعت ۳ به ونداربن رسیدیم، دوشی گرفته، سری به اسماعیل سرآشپز زده و دلی از عزا درآورده و راهی تهران شدیم. حوالی ۱۰ شب سه شنبه برنامه ما به پایان رسید.

برخی نکات برنامه:

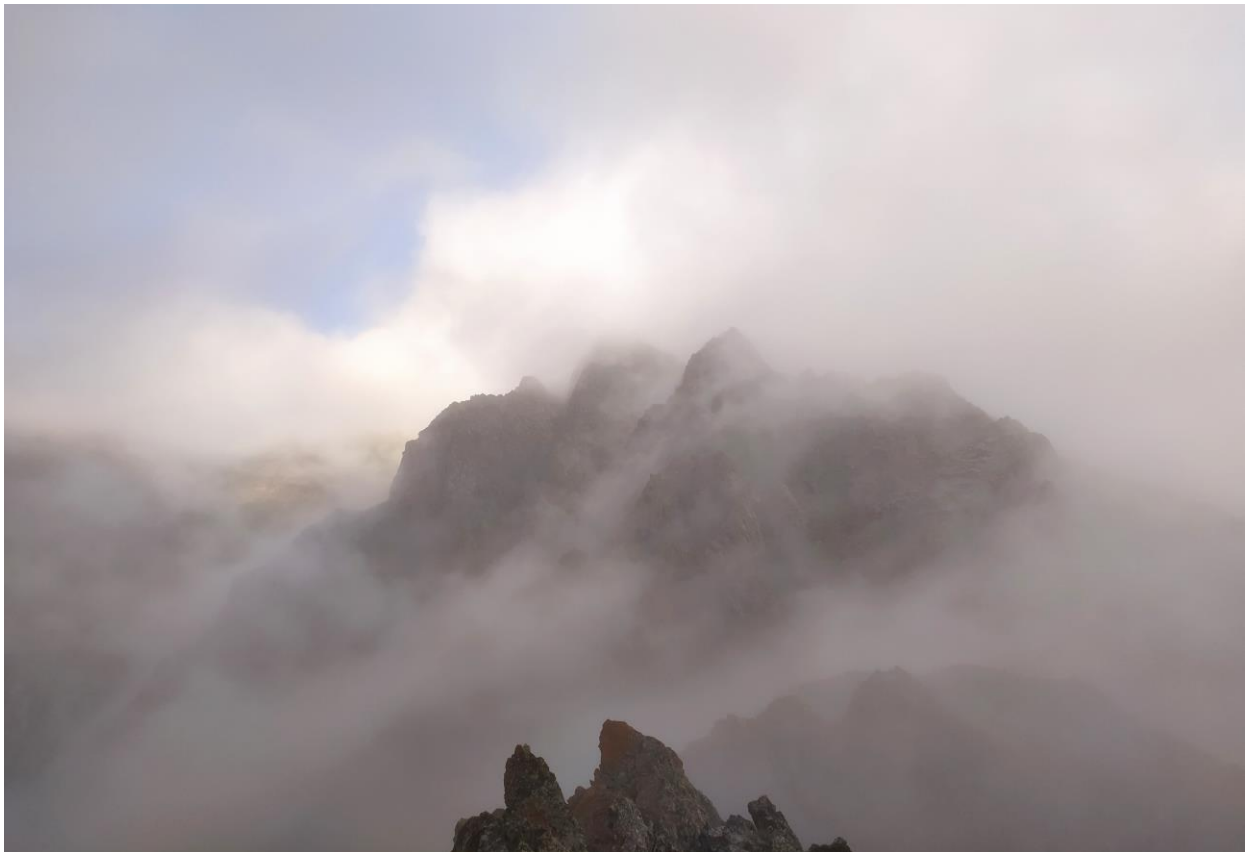
- بی شک فعالیت در علم کوه و منطقه تخت سلیمان نیازمند تجربه کافی، توان بدنی و روحی قوی و تجهیزات مناسب میباشد.
- ما با نفری حدوداً ۳ لیتر آب برنامه رو شروع کردیم و از شب اول مجبور به آب کردن برف و تهیه مایعات بودیم که این خود زمان بر بود.
- سه شبمانی داشتیم که بیواک کردیم و کیسه خواب سبک همراه داشتیم.
- قبل از شروع برنامه مکان های فرود اضطراری و برفچال های مسیر و همچنین نقاطی که آنتن دهی موبایل وجود دارد بررسی و مشخص شود.
- برای مواد غذایی و تنقلات برنامه از مواد کم حجم، کم وزن و پر کالری ترجیحاً استفاده شود.

جمع بندی:

در زندگی و کوهنوردی به این نتیجه رسیدم که کسی چیزی را حاضر و آماده برای شما نمیگذارد و این شما هستید که باید به سمت چیزی که میخواهید حرکت کنید، چالش هایش را بپذیرید و به جان بخرید تا تجربه کسب کنید و به چیزی که میخواهید برسید، خب خدا را شکر میکنم این برنامه هم با موفقیت تمام شد و تجربه های زیادی برای ما داشت.

لیست ابزار فنی :

هارنس - هلمت - یک حلقه طناب ۶۰ متری - نیم ست شفت (۶-۱) -
ابزار حمایت - ۶ عدد کوییک درا - تسمه خود حمایت - ۲ عدد تسمه ۱۲۰
- ۲ عدد تسمه ۶۰ - طنابچه پروسیک - طنابچه بلوک - ۱ عدد یومار - ۱
جفت رکاب - کارابین پیچ ۹ عدد



















با تشکر از همه عزیزانی که ما را در اجرای این برنامه یاری کردند.

حمیدرضا فرخی

مرداد ۹۹